

کار بست علم روانشناسی محیطی در معماری و طراحی شهری با تاکید بر اصول و معیارهای طراحی مجتمع های مسکونی

مژگان حاتمی* - کارشناس ارشد معماری داخلی، دانشگاه هنر تهران، تهران، ایران.

Application of science in architecture and urban design, environmental psychology with an emphasis on the principles and criteria Design of residential complexes

Abstract

Today, the status of the behavioral sciences in urban design and architecture and how the space on the incidence of human behavior, including conceptual and operational issues that need to review that illustrates the real position is in architectural design, environmental psychology. In fact, knowledge of urban design and environmental psychology knowledge such as behavioral science can provide the opportunity for designers to meet the needs and culture of users, to design spaces and The conditions favorable for life for urban spaces to be provided. Due to population growth and urbanization, and the research on the psychological aspects and behaviors associated with this approach has been paid, so in this study, we link between psychology and architectural areas, especially urban design with the base the psychology environmental and architectural importance of the relationship between environment and design (especially urban design) should be considered. The methodology of this paper is to describe - analytical methods for the analysis and content analysis has been used to study the researches related to this issue. In the end, the important design principles and standards of residential complexes and a few points in this regard is mentioned.

Keywords: behavioral patterns, environmental quality, urban design, urban space.

چکیده

امروزه توجه به جایگاه علوم رفتاری در طراحی شهری و معماری و چگونگی تاثیرگذاری فضا بر بروز رفتار انسانی از جمله مواردی است که نیازمند بررسی و بازبینی مفهومی و عملیاتی است که ترسیم کننده جایگاه واقعی علم روانشناسی محیطی در طراحی معماری باشد. در واقع آشنایی طراحان شهری با دانشهایی همچون علوم رفتاری و روانشناسی محیطی می تواند این امکان را برای طراحان فراهم کند تا منطبق بر نیاز و فرهنگ استفاده کنندگان، فضاها را طراحی کنند و بر این اساس شرایط لازم برای زندگی مطلوب برای کاربران شهری از فضاها فراهم آید. با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی و این که در پژوهش های انجام شده، به جنبه های روان شناختی و رفتارهای مرتبط با این رویکرد کمتر پرداخته شده است، لذا در این تحقیق تلاش شده پیوند میان حوزه های روان شناسی و معماری و بالاخص طراحی شهری با مبنا قرار دادن جایگاه روان شناسی محیطی در معماری و اهمیت شناخت ارتباط بین محیط و طراحی (به ویژه طراحی شهری) مدنظر قرار گیرد. روش تحقیق این مقاله، توصیفی - تحلیلی است که از روش فراتحلیل و تحلیل محتوا نیز برای بررسی تحقیقات و پژوهش های مربوط به این موضوع استفاده کرده است. در پایان نیز اصول و معیارهای مهم در طراحی مجتمع های مسکونی و نکاتی چند در این رابطه مورد اشاره قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: الگوهای رفتاری، کیفیت محیط، طراحی شهری، فضای شهری.

«ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی» باشد گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضای شهر دارای نیازها و الگوهای رفتاری مختلفی هستند. بخشی از این نیازها معطوف به نیازهای مختلف و متعدد انسانی است و بخشی دیگر به ویژگی‌های کالبدی و نقش فضای مورد استفاده در شهر مربوط می‌شود. همچنین برخی از الگوهای رفتاری به نیازهای دسته‌های مختلف استفاده‌کننده از فضا بستگی دارد و برخی از این الگوها تابع فرهنگ و بستر فرهنگی جامعه می‌باشد. بنابراین نحوه برقراری این رابطه تعاملی بستگی زیادی به چهار عامل دارد که عبارتند از: ویژگی‌های کالبدی فضای مورد استفاده، نیازهای انسانی به طور عام، نیازهای مخاطبین و استفاده‌کنندگان خاص آن فضا و در نهایت الگوهای رفتاری و بستر فرهنگی جامعه. در نتیجه توجه به آسایش و برآورده کردن نیاز گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از فضا یکی از معیارهای اساسی در جهت ایجاد مطلوبیت فضایی، افزایش کیفیت و میزان رضایت‌مندی شهروندان می‌باشد. از طریق رواج دادن برخی رفتارها یا کاستن از برخی رفتارها در فضا می‌توان احساس خاصی در افراد ایجاد کرد، به طوری که کیفیت ویژه‌ای از فضا ادراک کند. در واقع آشنایی طراحان شهری با دانش‌هایی همچون علوم رفتاری و روانشناسی محیطی می‌تواند این امکان را برای طراحان فراهم کند تا منطبق بر نیاز و فرهنگ استفاده‌کنندگان، فضاها را طراحی کنند و بر این اساس شرایط لازم برای زندگی مطلوب برای کاربران شهری از فضاها

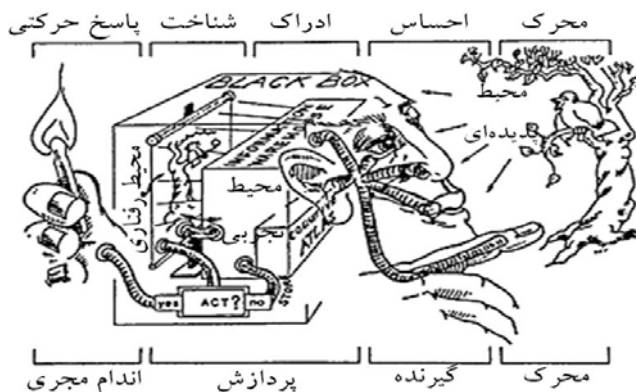
«روانشناسی محیطی» به مطالعه نقشه‌های شناختی فرد در رابطه با محیط می‌پردازد و ارزش‌ها، معانی و اولویت‌های محیطی را دنبال می‌کند و مطالعات مرتبط آن، تاثیرات مخرب شهرنشینی بر روی رفتار انسانی را بالاخص در قرن حاضر را نشان می‌دهند. الگوهای رفتار غریزی انسان در شرایط شهرهای شلوغ تغییر می‌کند؛ چنانچه وقوع بیماری‌های روانی با شهرنشینی افزایش یافته است و بیشترین میزان شیوع بیماری اسکیزوفرنی در مراکز شهرها دیده می‌شود که به عقیده برخی از کارشناسان، شهرسازان علاوه بر توجه به ارزش کاربری زمین، باید به ارزش‌های احساسی، عاطفی و روانی آن نیز توجه کنند. از سویی دیگر، رفتار انسانی برآیندی از انگیزه‌ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی ناشی از ادراک او از دنیای خارج و معنایی که این تصویر برای او دارد می‌باشد. بنابراین هر رفتار تحت تاثیر شرایط فوق می‌تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود. رفتار تنها تابع فعالیت نیست بلکه ترکیبی از فعالیت، زمان و مکان است. انسان همواره در تعامل با محیطی است که خود جزئی از آن به شمار می‌رود. رفتار اجتماعی نیازمند بستری برای روی دادن است، بنابراین رابطه انسان و محیط به صورت یک رابطه رفت و برگشتی و تعاملی موردنظر است. از سویی از آنجا که رفتار در رابطه با محیط شکل می‌گیرد، به شدت تحت تاثیر فرهنگ و اجتماع می‌باشد و پیوسته معلول علتی اجتماعی و فرهنگی است. محیط می‌تواند خاستگاه

۱. روانشناسی محیطی یک تخصص میان رشته‌ای است که بر نحوه تعاملات انسان با محیطش مطالعه و تدقیق می‌نماید، گستره کاربرد و استفاده آن را در تخصص‌های زیر می‌توان مشاهده نمود:

Architectural psychology, Socio-architecture, Ecological psychology, Eco psychology
Behavioral geography, Environment-behavior studies, Environmental sociology

این رشته جهت بسط مفاهیم مورد نظر خود از علوم زیر کمک می‌گیرد:

Anthropology (انسان شناسی)، Geography (جغرافیا)، Sociology (جامعه شناسی)، Psychology (روانشناسی)، History (تاریخ)، Political science (علوم سیاسی)، Engineering (مهندسی)، Planning (برنامه ریزی)، Architecture (معماری)، Urban design (طراحی شهری)، Aesthetics (زیباشناسی).



نمودار ۲ (سمت چپ). سطوح رفتاری مور؛
ماخذ: جلیلی، ۱۳۸۸.

نمودار ۱ (سمت راست). چارچوب مشترک پورتیوس برای
شناخت وجه مشترک رفتار و محیط

تلقی نمود و یا هر دو ی آنها را در شکل گیری محیط
دخیل دانست. عنصر مهمی که در تعریف محیط
نباید از آن غافل ماند اصول و قوانینی است که:

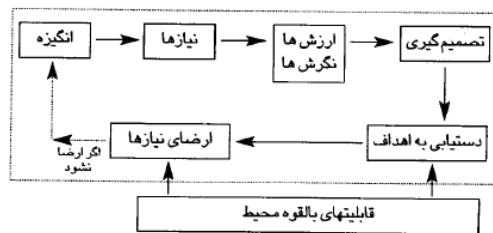
۱. اولاً بر شکل گیری محیط تسلط داشته و
۲. ثانیاً بر تداوم و تعریف آن و همچنین استنباط
انسان از آن و تأثیری که بر حیات انسان دارد، نقشی
در خور توجه ایفا می نماید. به این ترتیب محیط
متشکل از اجزا و عناصر مادی (کالبدی و کمی) و
معنوی (غیر فیزیکی و کیفی) می باشد که در قالب
عناصر طبیعی، ساخته های انسان، شرایط طبیعی،
بازرزه های عناصر مصنوع و انسان ظاهر می شود
(نقی زاده، ۱۳۸۸).

محیط دارای ویژگیهای جغرافیایی، ساخته شده و
فرهنگی است که با هم رابطه ای درونی دارند. و
بعضی رفتارها را از راه های همسان تأمین می کنند.
مجموعه ای از قابلیت های محیط در یک موقعیت ویژه،
محیط بالقوه ای را برای رفتار انسان در آن مکان
ایجاد میکند. تمام این قابلیت های ادراک شده نیز استفاده
نمی گردد. فرایندهای ادراک، شناخت و رفتار فضایی
تحت تأثیر شایستگی های فردی و گروهی و ساختار
محیط ساخته شده اند. انسان مخلوقی تطبیق پذیر
است اما ادراک وی از محیط تحت تأثیر چیزهایی
است که با آن انس گرفته است. در عین حال باید
توجه داشت که مردم با شرایطی که ارزشهای

فراهم آید. با توجه به رشد جمعیت و شهرنشینی
و این که در پژوهش های انجام شده، به جنبه های
روان شناختی و رفتارهای مرتبط با این رویکرد کمتر
پرداخته شده است، لذا در این تحقیق تلاش شده
پیوند میان حوزه های روان شناسی و معماری با مبنا
قرار دادن جایگاه روان شناسی محیطی در معماری و
اهمیت شناخت ارتباط بین محیط و طراحی (به ویژه
معماری) مدنظر قرار گیرد.

ادبیات نظری محیط

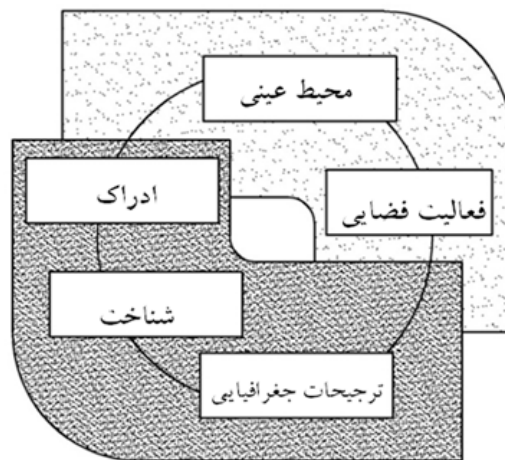
تعاریف متعدد و متنوعی از «محیط» ارائه شده است.
بسته به موضوع بحث دامنه این تعاریف متغیر
خواهد بود. تمایز بین محیط کالبدی، اجتماعی،
روانشناختی و رفتاری از جمله این دسته بندی ها
محسوب می گردد. نکته اصلی این طبقه بندیها و
دسته بندی های مشابه، تفاوت بین جهان واقعی،
حقیقی و عینی اطراف انسان و جهان پدیدار
شناختی است که خودآگاه یا ناخودآگاه الگوهای
رفتار و واکنش های روحی مردم را تحت تأثیر قرار
می دهند (لنگ، ۱۳۸۸). محیط از یک سو عبارت از
فضای دربرگیرنده انسان و سایر موجودات است و از
جانب دیگر می توان آن را فضای محدود محسوس
برای انسان دانست. به این ترتیب محیط مورد
نظر افراد مختلف متفاوت خواهد بود. محیط را نیز
میتوان منحصر به مجموعه عناصر طبیعی یا مصنوع



نمودار ۴ (سمت چپ). مدلی از رفتار که در آن انگیزه به عنوان فرایندی پویا ارائه شده است؛ ماخذ: مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۶۲.

پرداخته است. در سالهای بعد از جنگ دوم، و بدلیل نیاز مبرم به توسعه روانشناسی اجتماعی و بویژه قرارگیری جوامع در شرایط «تغییر»، سبب گردید تا روانشناسان در پی بکارگیری تئوری‌های روانشناختی در زمینه‌های مورد نظر باشند. این اقدامات غالباً در شرایط آزمایشگاهی صورت می‌پذیرفت، به همین دلیل صحت نتایج این آزمایشها در جهان واقع مورد تردید بود. در نتیجه روانشناسان محیطی اقدام به انجام مطالعات خود در محیط خارج از آزمایشگاه نمودند. امروزه روانشناسی محیطی در زمینه‌های مختلفی نظیر طراحی و معماری، برنامه‌های تلویزیونی و نیز تبلیغات کاربرد دارد. روانشناسی محیط دانشی میان رشته‌ایست که بر کنش و واکنش بین انسان و محیط پیرامونش تمرکز داشته آثار این رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهد. چنانکه در بالا اشاره شد، واژه محیط در تعریفی گسترده، دربرگیرنده محیط طبیعی، زمینه‌های اجتماعی، محیط مصنوع و محیط یاداندوزی میباشد. بطور خلاصه، به منظور بررسی مسائل مبتلی به انسان (بعنوان موضوع علم روانشناسی)، و رابطه متقابلش با محیط؛ فارغ از مقیاس محیط مزبور، می‌باید به تاثیر شرایط محیطی بر رفتار، فعالیت و عادات انسانها توجه نمود. با در اختیار داشتن مدلی از شخصیت و رفتار انسانی، امکان طراحی، مدیریت، پیش‌بینی یا بازبانی محیط‌هایی ایجاد خواهد شد تا رفتار معقول یا مورد انتظار را ارتقا دهد، یا رفتارهایی را که در نبود کیفیات محیطی موردنظر

ساختار محیطی



ساختار شناختی محیطی

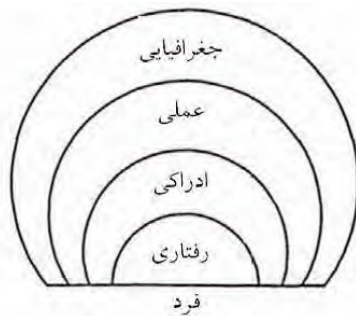
نمودار ۳ (سمت راست). ساختارشناسی محیطی از دیدگاه جکل؛ ماخذ: جلیلی، ۱۳۸۸.

انسانی را تهدید به تخریب می‌کند نیز تطبیق پیدا می‌کنند (لنگ، ۱۳۸۸).

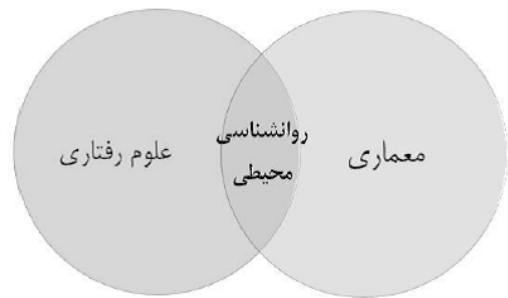
تاثیری که محیط بر انسان می‌گذارد در اثر نحوه و کیفیت ادراک آدمی از محیط پیرامونش شکل می‌گیرد. ادراک محیط بر اساس دانش و اطلاعاتی که انسان نسبت به اشکال، فضاها، عملکرد و معنای ظاهری و باطنی آنها دارد، یکی از اولین نتایج مترتب بر تماس انسان با محیط میباشد. این ادراک، سبب می‌گردد تا انسان مراتب مختلف ارتباط اعم از احساس هویت (این‌همانی)، احساس سرور و خوشی، احساس غم و اندوه، احساس غرور، حقارت، تفوق، از خودبیگانگی و بسیاری احساسات و ارتباطات روانی با محیط برقرار نماید که هر کدام از این احساسات ثمره رابطه‌ایست که اصول و ارزشهای فرهنگی انسان یا ارزشهای نهفته یا متجلی در محیط برقرار مینماید (نقی زاده، ۱۳۸۱).

روانشناسی محیطی

عنوان این دانش، اولین بار توسط «ویلی هلیاک» و با طرح این موضوع که خورشید و ماه چگونه فعالیت انسانها را تحت تاثیر قرار می‌دهد، تاثیر محیط خارجی و تاثیر رنگ و فرم، به بیان نظرات خود



نمودار ۶ (سمت چپ). ساسله مراتب محیط از دیدگاه سانفلد، ماخذ: ترسیم نگارندگان.



نمودار ۵ (سمت راست). روانشناسی محیطی محل اتصال علم معماری و علوم رفتاری

سایر گرایشها عبارتند از:

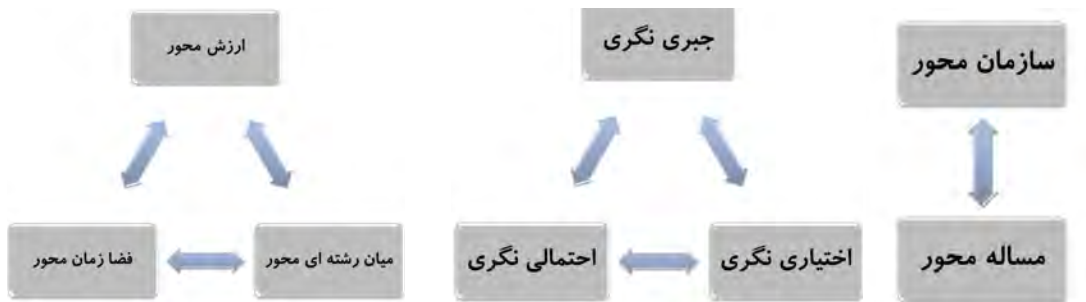
۱. «روانشناسی محیطی ارزش محور» (value oriented)
۲. «روانشناسی محیطی میان رشته ای محور» (Interdisciplinary oriented)
۳. «روانشناسی محیطی فضا-زمان محور» (Space-over-time orientation) (ر. ک: ویکی پدیای فارسی، زمان برداشت: ۱۳۹۴).

همچنین از سویی دیگر، می توان گفت که: در میان نظریه های مختلف محیط بیشتر به عنوان عاملی تاثیرگذار بر رفتار انسان فرض می شود. با پیشرفت دانش روانشناسی محیطی دیگر انسان و رفتار او متاثر از محیط نیستند بلکه بر روند شکل گیری محیط اثر متقابل دارند. در زمینه «تاثیر محیط و معماری بر رفتار» می توان به ۳ دیدگاه اشاره کرد:

۱. «جبری نگری معماری»: از این دیدگاه معماری و محیط اطراف دلیل بروز رفتار در فرد خواهند بود. این دیدگاه از نخستین دیدگاه ها در مورد تاثیر معماری بر رفتار انسان بوده است. لنگ در ابتدای کتاب آفرینش، نظریه معماری بیان می کند که بیشتر نظریه های معماری بر این اعتقاد و اساس بوده است که محیط ساخته شده، یکی از عوامل تعیین کننده رفتار اجتماعی انسان بوده است. این دیدگاه در گفتار آلمن قابل مشاهده است: «محیط و رفتار آن قدر در هم تنیده شده اند که به سختی می توان آنها را از هم تفکیک کرد. رفتار را نمی

بروز خواهد کرد را پیش بینی نمود و موقعیت های مسئله ساز را تشخیص داد. روانشناسی محیطی در پی توسعه چینی مدلی از شخصیت انسانی ست. روشها و گرایش های روانشناسی محیطی عبارتند از:

۱. «روانشناسی محیطی مسئله محور» (Problem oriented): روانشناسی محیطی، مطالعه مستقیم رابطه بین محیط و تاثیر آن بر رفتار انسانهاست. جنبه مشخص این دانش، بر اساس شناسایی مسئله و معضل، و متعاقب آن، جستن راه حل استوار است. منظور از مسئله، مواردی ست که اکثر افراد جامعه را تحت تاثیر قرار داده و طیف وسیعی از مشکلات، مانند اثرات روانشناسی تراکم جمعیتی شهرها تا طراحی معماری بناهای عمومی و نیز از کیفیت عرصه های همگانی تا عرصه های خصوصی و خانوادگی را شامل می شود. مسائلی نظیر افزایش جمعیت و تراکم، آلودگی صوتی، استاندارد پایین زندگی و اضمحلال زندگی شهری سبب بروز تبعاتی برای افراد جامعه می گردد. بدیهی ست هم مسئله موردنظر و هم راه حل ارائه شده می باید در شرایط زندگی واقعی و در اثنای زندگی روزمره (و نه در شرایط آزمایشگاهی) مورد بررسی قرار گیرد.
۲. «روانشناسی محیطی سازمان محور» (Systems oriented): این گرایش به بررسی افراد و اعضای گروهها، جوامع و سازمانها می پردازد. بررسی روابط داخلی اعضا و تاثیر آن بر همپیوندی جامعه هدف از ویژگیهای این گرایش است.



نمودار ۹ (سمت راست). انواع گرایش های روانشناسی محیطی از نگرش محتوایی

نمودار ۸ (سمت چپ). انواع گرایش های روانشناسی محیطی در نگرش رفتاری.

نمودار ۷ (سمت راست). انواع گرایشهای روانشناسی محیطی در نگرش سیستمی؛



نمودار ۱۰ (سمت چپ). انواع گرایش های روانشناسی محیطی از نگرش نظریه های علمی؛ ماخذ: ترسیم نگارندگان.

توان مستقل از رابطه درونی آن با محیط درک کرد و رفتار را باید در بستری محیطی تعریف کرد. اما این دیدگاه در واقع نوعی «اعتقاد به جبریت معماری» است.

۲. «اختیاری نگری محیطی»: در این دیدگاه انتخاب فرد باعث بروز رفتار خواهد بود. بل ضمن بیان این نگرش به محیط عنوان می کند که جبری نگری به شکل مطلق و ناب باوری مبالغه آمیز است. اختیاری نگری در واقع شکل تعدیل شده ای از جبری نگری است. مطابق این دیدگاه: «محیط عرضه کننده فرصت های رفتاری و نیز عامل ایجاد محدودیت های بالقوه است». از این دیدگاه محیط معمولاً باعث بروز رفتار نمی شود، در این نگرش انتخاب ماست که نقش مشخص کننده را دارد: «اختیاری نگری محیطی، محیط را تنها تعیین کننده رفتار نمی داند، بلکه آن را زمینه ای برای وقوع رفتار می داند.»

۳. «احتمالی نگری محیطی»: این نگرش حد وسطی از دو دیدگاه قبل است. این دیدگاه در واقع حد وسط دیدگاه های جبری نگری و اختیاری نگری است. در این دیدگاه فرض بر این است که: «هر ارگانیسمی در هر موقعیت محیطی ممکن است پاسخ های گوناگونی برگزیند.» البته هر رفتاری واجد درجه ای از احتمال است که این

درجات احتمال ناشی از تاثیر عوامل غیر معماری و هم ناشی از تاثیر عوامل معماری و طراحی است. با این فرض می توان بروز بعضی از رفتارها را در برخی از محیط ها محتمل تر دانست. افراد در مقابل کلمه محیط کالبدی، از واژه محیط فرهنگی نیز نام می برند. این نامیدن اشاره به کافی نبودن جنبه کالبدی محیط برای افراد دارد. لنگ اعتقاد دارد: «زندگی انسان در محیط فرهنگی جریان دارد» محیط های ساخته شده، بخشی از محیط های فرهنگی، زمینی یا جغرافیایی است در واقع مجموعه ای از انطباق پذیری ها را شامل می شود که انسان با آن محیط ها ایجاد می کند. (ر. ک: لنگ، ۱۳۷۸؛ و مطلبی، ۱۳۷۷).

مهم ترین مکاتب روانشناسی محیطی که تاثیر ژرفی بر تئوری های محیطی داشته اند، مکتب «روان شناسی

نام	زمان	تعریف ارائه شده از روانشناسی محیطی
کریک (Craik)	۱۹۷۰	مطالعه روان شناختی رفتار انسان، به گونه ای که به زندگی روزمره او در محیط کالبدی مرتبط باشد
گرامان (Graumann)	۱۹۷۶	روان شناسی محیط، مکمل روان شناسی عمومی فاقد محیط است
کانتر (Canter)	۱۹۸۱	شاخه ای از روانشناسی است، که به مطالعه و تحلیل تعاملات، تقابلات، تجارب و کنشهای انسان با جنبه‌های مختلف محیط اجتماعی و فیزیکی توجه دارد
راسل (Russell)	۱۹۸۲	حیطه ای از روانشناسی است، که به فراهم کردن رابطه نظام مند بین شخص و محیط می پردازد
هالاها (Holahan)	۱۹۸۲	روانشناسی محیط، مناسبات مشترک بین محیط فیزیکی و رفتار و تجربه انسان را مورد بررسی قرار می دهد
پروشانسکی (Proshansky)	۱۹۹۰	روانشناسی محیط، با تعاملات و روابط میان مردم و محیطشان سر و کار دارد
گیفورد (Gifford)	۱۹۹۷	روانشناسی محیط، بررسی متقابل بین فرد و قرارگاه فیزیکی وی است

جدول ۱. تعاریف ارائه شده از روانشناسی محیطی؛ ماخذ: نگارندگان.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۱۵۹

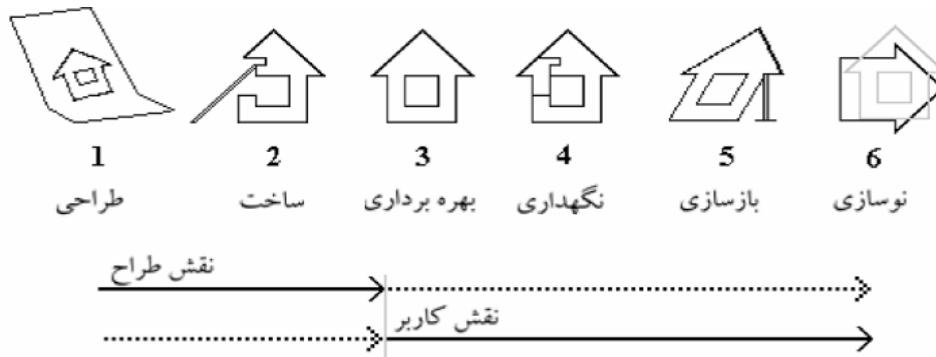
گشتالت^۱ و «روانشناسی سازش مند یا تبدالی» و مکتب «روان شناسی بوم شناسی (اپتیکی)» جیمز گیبسون هستند. در واقع باید گفت:

۱. «روانشناسی گشتالت»: بر الگوهای ادراکی و هم ریختی بین شکل ها و تجربیات ادراک محیطی با فرآیند شکل گیری نظام عصبی در انسان علاقه مند است؛ درک روان شناسی گشتالت عبارت است از درک مفاهیم مرکزی آن، که در میان مفاهیم اصلی، گشتالت و میدان (field) را می توان نام برد. کلمه آلمانی گشتالت در انگلیسی به قالب، هیئت و ساختار، شکل یا الگو ترجمه شده است. مکتب گشتالت اولین حرکت روان شناختی آلمان، بر مبنای

روش آزمایش بود. استدلال اصلی آن ها این بود که حقایق روان شناختی «از ذرات ایستای نامربوط تشکیل نمی شود» و لذا مطالعه آن ها نیازمند شیوه کل گراست. آن ها عقیده داشتند که ادراک، ترکیب نامتشکلی از عناصر نیست که بطور متوالی بصورت مفاهیمی معنی دار در ذهن با هم پیوستگی داشته باشند، بلکه ادراک را کلیتی منسجم و متشکل از یک هیئت (configuration) یا یک گشتالت می دانستند.

۱. «روانشناسی سازش مند»: تجربه انسان از محیط و ارتباط متقابل انسان و پیرامونش را مبنا قرار داده و ادراک را به مانند فرآیندی سازش مند بین مشاهده

۱. روانشناسی گشتالتی، به الگو واره های ادراکی و برهمکنش میان شکلها و تجربیات ادراک آدمی می پردازد که دارای ساز و کار عصب شناختی در فرآیند شناخت ادراکی است. روانشناسی سازگارمند تجربه آدمی و محیط را در بستر خوانشی از تقابل انسان و محیط برای برپایی سازش با ساختار محیطی مورد بررسی قرار می دهد، حال آنکه روانشناسی بوم شناختی بر این اصل تاکید دارد که داده های محیطی بی واسطه و بی نیاز از پردازش ذهن انسان با حواس آدمی دریافت می شود (Gibson, 1966). روان شناسی گشتالت بر پایه این ایده است که ما چیزها را به صورت یک کل یکنواخت تجربه می کنیم. این رویکرد به روان شناسی ابتدا در آلمان و اتریش و در خلال قرن نوزدهم در پاسخ به رویکرد جزئی نگر ساختارگرایی پدید آمد. این متفکران به جای شکستن افکار و رفتار به کوچکترین عناصر، عقیده دارند که باید کل تجربه را مورد نظر قرار داد. به عقیده آن ها، کل بزرگتر از مجموع اجزا است. گشتالت یک اصطلاح آلمانی است که معادل های متعدد از جمله فرم، شکل بندی، هیئت و کل برای آن پیشنهاد شده است.



نمودار ۱۱. اهمیت نقش طراح و کاربر در مراحل پروژه؛ ماخذ: اسلامی، ۱۳۸۶.

به ترتیب زیر است: ۱. نیازهای فیزیولوژیک مانند گرسنگی و تشنگی؛ ۲. نیازهای ایمنی مثل امنیت و محافظت در مقابل صدمات؛ ۳. نیازهای تعلق و دوست داشتن مثل عضویت در گروه های اجتماعی و نیاز عاطفی؛ ۴. نیاز به قدر یعنی فرد نزد خود و دیگران دارای ارزش بالایی باشد؛ ۵. نیاز به خود شکوفایی که بیانگر میل به ارضای ظرفیت های فردی است؛ ۶. نیازهای شناختی و زیبا شناختی مانند میل به دانستن و تمایل به زیبایی برای زیبایی.

۲. «انگیزه»: انگیزه نیروی هدایتگر رفتار است و رفتارها در جهت ارضای نیازهای انسانی شکل می گیرند. نیازهای مشترک شناخته شده در انسان دامنه وسیعی از جمله نیازهای فیزیولوژیکی نیازهای زیستی یا نیازهای اجتماعی و اکتسابی را در بر می گیرند. نیازها از هر گروهی که باشند سبب افزایش تنش یا انرژی درونی فرد می شوند و در حقیقت ایجاد انگیزه می کنند.

۳. «نیاز»: هر فرد دارای تعدادی نیازهای ذاتی است که فعال کننده و هدایت کننده رفتار اوست. این نیازها غریزی هستند یعنی ما با آنها به دنیا می آییم اما رفتارهایی که ما برای ارضا این نیازها به کار می بریم ذاتی نیستند، بلکه آموختنی بوده و بنابراین افراد مختلف ممکن است در نحوه ارضای انگیزه ها تفاوت های زیادی پیدا کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۳۴).

۴. «فعالیت»: از آنجا که نیاز یک مفهوم انگیزشی

گر و محیط مورد بررسی قرار می دهد؛ ۲. «روانشناسی بسوم شناختی (اپتیکی)»: گیبسون محیط و بوم را پایه و اساس تمامی داده ها می داند. او معتقد بود که داده های محیطی به گونه ای مستقیم و بدون نیاز به نیروی پردازش مغز آدمی از طریق انوار محیطی و به وسیله حواس حسی آدمی که به مثابه یک نظام (سیستم) عمل می کند، دریافت می شود. در ادامه به بررسی برخی از مفاهیم در این رابطه پرداخته می شود:

۱. «سلسله مراتب نیازهای انسانی»: برای تعریف نیازهای انسانی مدل های زیادی تدوین شده است که از بین آنها مدل مقیاس احساسات اصلی در رقابت «الکساندر لیتون» و مدل سلسله مراتب نیازهای انسانی «مازلو» مورد استفاده طراحان محیطی قرار می گیرد. مدل نیازهای الکساندر لیتون وسیله مناسبی برای درک ماهیت محیط ساخته شده در عین احترام به انسان است. این نیازها عبارتند از: امنیت فیزیکی، ابراز دشمنی، ابراز عشق، حفظ علائق شخصی، شناسایی شدن، بیان خود انگیزگی، تشخیص جایگاه خود و دیگران در جامعه، حفظ و مراقبت از عضویت گروهی معین، تعلق به یک نظم معنوی اشکال این مدل عدم وجود دسته بندی و نظم مشخص و پیچیدگی نیازهاست. آبراهام مازلو سلسله مراتبی از نیازها از قوی ترین تا ضعیف ترین پیشنهاد کرده است. سلسله مراتب پیشنهادی او

جدول ۲. انواع نظریه های روانشناسی محیط؛ ماخذ: یافته های تحقیق.

عنوان نظریه	توضیحات
نظریه های شناخت گرای	اغلب پژوهشهای مکتب رفتارگرایی محدود به جنبه هایی از رفتار می شود که قابل مشاهده و اندازه گیری هستند. محیط نیز بعنوان مجموعه ای از محرکها در رابطه با پاسخهایی که از سوی ارگانیزمها ارائه می شود، مورد بررسی قرار می گیرد ولی در اکثر پژوهشهای این مکتب نیز به ساخت و رابطه پیچیده بین ابعاد مختلف محیط (کمتر توجه می شود (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۱۵
نظریه گشتالت	از دیدگاه مکتب گشتالت، رفتار و فرآیندهای پایه روانی از قبیل ادراک، شناخت، احساس و ادراک و تفکر را نمی توان به اجزاء تشکیل دهنده آنها مانند پیوندها تجزیه کرده، از تراکم بررسیهای اجزاء به کیفیت هیئت یا ترکیب جریان رفتاری پی برد ((مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۱۷
نظریه روانشناختی اجتماعی	روان شناسی محیطی همچنین نظریه های گوناگون را در ارتباط با تاثیر محیط بر انسان و چگونگی ارتباط و تعامل ما بین محیط کالبدی و تجربه انسان از آن خلق کرده و سوالات مناسب را در این ارتباط مطرح ساخته است تا بتواند پژوهش های تجربی متناسب با آن نظریه ها را به اجرا در آورد
نظریه میدانهای لوین	رفتار تابع تاثیر متقابل عواملی است که از فرد از یکسو و از محیط از سوی دیگر، سرچشمه می گیرند. یکی از مهمترین مبانی این نظریه چنین بیان می شود: رفتار (تابع ویژگیهای فضای زیست است (مرتضوی، ۱۳۶۷، ص ۱۸

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

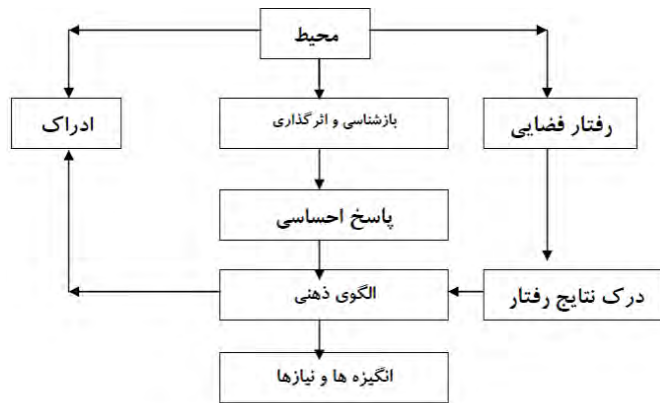
۱۶۱

دارد مستلزم حرکت یا حرکات خاصی برای برآورده شدن آن نیاز است. به تمامی افعال انسانی که در راستای برآوردن یکی از نیازهای او انجام می گیرند، فعالیت گفته می شود. علی رغم تنوع زیاد رفتارهای انسانی می توان آن ها را از طریق تشابه در جنبه فیزیکی آنها یا اشتراک در برآوردن نیاز، در دسته های کوچکتری با نام فعالیت طبقه بندی کرد (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۴۱). فعالیت ها بر اساس جبری و یا اختیاری بودن به سه دسته تقسیم می شوند:

۱. «فعالیت های ضروری»: فعالیت هایی که حالت اجباری داشته و شامل فعالیت های عمومی مردم از قبیل حرکت به سمت محل کار و یا خرید مایحتاج می باشد؛
۲. «فعالیت های انتخابی»: جزو نیازهای اولیه انسان نبوده و از این رو تنها در صورت مهیا بودن زمینه لازم انجام می پذیرند. از قبیل تفریح و گردش؛
۳. «فعالیت های اجتماعی»: شکل گیری این فعالیت ها به واسطه حضور افراد در فضاست. همانند

فعالیت های نمایشی، مراسم عزاداری، تظاهرات، مراسم چهارشنبه سوری و غیره. همچنین می توان فعالیت ها را به دو دسته فعالیت های فردی و فعالیت های جمعی نیز تقسیم بندی کرد.

۵. «رفتار»: به هرگونه حرکت یا حرکتی که در راستای برآورده کردن یک نیاز صورت پذیرد فعالیت می گویند، مانند خوردن در راستای رفع نیاز گرسنگی و به نحوه انجام این فعالیت رفتار اطلاق می شود، مانند خوردن با دست یا قاشق. این ساده ترین تعریف از رفتار می باشد که ممکن است این خطا را ایجاد کند که چون سرمنشاء رفتار نیاز است و همه انسان ها دارای نیازهای مشترک هستند، پس رفتارهای مشابهی را انتظار داریم. در صورتی که آنچه در عمل رخ می دهد دسته وسیع و متنوعی از رفتارهاست. در واقع رفتار انسان تحت تاثیر مجموعه ای از عوامل مختلف و متفاوت قرار دارد که چگونگی و نحوه انجام فعالیت یعنی همان رفتار

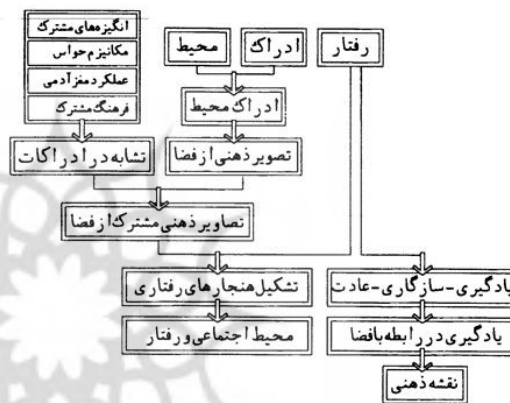


نمودار ۱۲ (سمت راست). فرایند رفتار انسان در محیط؛ ماخذ: پاکزاد،

۱۳۸۵، ص ۴۹؛

شیوه‌های متداول زندگی است. معماری و شهرسازی با فضاهایی سرو کار دارند که انواع فعالیتها در چارچوبهای متفاوت در آنها اتفاق می افتد و در حقیقت به این فضاها معنی و مفهوم می دهند. این فعالیتها تابع خصوصیات فرهنگ جامعه‌ای است که صاحبان این فعالیتها به آنها تعلق دارند. این امر در مورد فضاهای شهری به خصوص خیابانها و میادین به شدت مطرح است. «فرهنگ، الگوهای رفتاری را بوجود می آورد و در نتیجه این الگوهای رفتاری تعیین کننده چگونگی استفاده مردم از فضاها می شوند. بنابراین نحوه استفاده مردم از فضا براساس فرهنگ می باشد. به عنوان مثال در هندوستان خیابان معجونی از فعالیتهای متعدد و متنوع است. که در نتیجه انواع بو، صدا و مناظر عجیب و غریب در هم بافته شده اند. در حالیکه در جوامع غربی پیاده روی و پرسه زدن در خیابانها عملی ناپسند محسوب می شود و حتی در برخی از ساعات شبانه روز نه تنها خوش آیند نیست بلکه خطر جانی نیز دارد» (بحرینی، ۱۳۸۴، ص ۳).

قرارگاه‌های رفتاری: محیط شامل مجموعه‌ای از قرارگاه‌های رفتاری است که درون یکدیگر قرار گرفته اند و با هم فصول مشترک دارند. این قرارگاه‌های رفتاری دارای دو عنصر اساسی اند: یک الگوی شاخص رفتار و یک محیط فیزیکی. محیط فیزیکی ساختاری کالبدی مرکب از سطوح

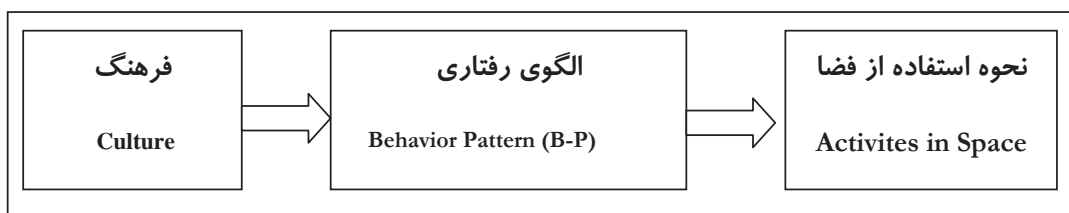


نمودار ۱۳ (سمت چپ). بررسی رابطه محیط و رفتار؛

ماخذ: زراعت دوست، ۱۳۷۹، ص ۸.

را تعیین می کنند. رفتار انسانی فرایندی است تحت تاثیر ویژگی های انسانی و عوامل مختلف محیطی. در واقع محیط می تواند خاستگاه ادراک، بازشناسی و اثرگذاری و رفتار فضایی باشد. الگوهای ذهنی که متاثر از نیازها و انگیزه ها هستند بر فرایند ادراک تاثیر می گذارند و رفتار فضایی خاصی را ایجاد می کنند که این رفتار خود منجر به تشکیل الگوهای ذهنی فردی و جمعی می شود.

امروزه فضاهای شهری در رابطه با رفتارهای استفاده کنندگان از آن فضاها بررسی می گردد. هر فعالیتی که توسط انسان صورت می گیرد اساساً متکی به فرهنگ است و فرهنگ نتیجه مقررات نامدون (عرف)، عادات، آداب و رسوم، سنتها، سبکها و



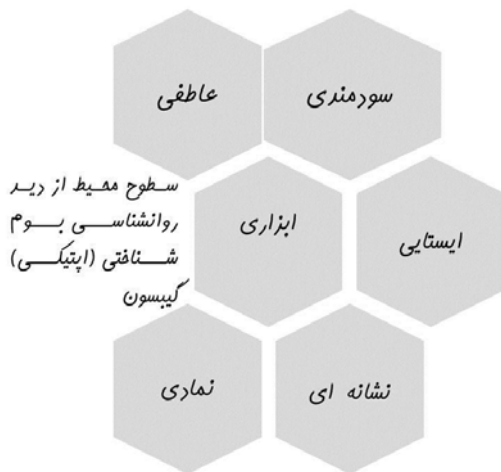
نمودار ۱۴. رابطه فرهنگ الگوی رفتاری و نحوه استفاده از فضا؛ ماخذ: بحرینی، ۱۳۸۴، ص ۳.

جدول ۳. نظریه تاثیر محیط کالبدی بر رفتار انسان؛ ماخذ: نگارندگان.

طرفداران اولیه	ویژگی اصلی	گرایش رفتار- محیط
معماران و شهرسازان دوره مدرن	تغییر در منظر و عناصر معماری محیط، به تغییراتی در رفتار و به ویژه در رفتار اجتماعی منجر می شود.	جبر گرایی محیطی
جامعه شناسان و دانشمندان جغرافیای شهری	محیط معمولاً باعث بروز رفتار نمی شود، بلکه زمینه ای برای وقوع رفتار است و افراد براساس معیارهای فرهنگی دست به انتخاب زده و رفتار می نمایند.	اختیار گرایی محیطی (امکان گرایی)
روانشناسان محیط	تأثیر محیط کالبدی بر رفتار، یک تأثیر احتمالی است و برحسب ویژگی های محیط احتمال وقوع رفتاری خاص در برخی از محیط ها نسبت به برخی دیگر بیشتر یا کمتر است.	احتمال گرایی

جدول ۴. معنای مختلف محیط انسان ساخت از نگاه گیبسون؛ ماخذ: نگارندگان.

توضیح معنایی لایه ها	معنای محیط ساخته شده	لایه های معنایی
در معنای ایستایی و استحکام به ساختمان و بنا از نگاه ساختاری، مقاومت و پایداری آن در مقابل بارهای وارده توجه می شود.	معنای ایستایی و استحکام	سطح اول
معنای سودمندی یک ساختمان، قابلیت کاربردی و عملکردی بنا است که برخی مواقع برای استفاده به غیر از کاربرد اولیه خود بکار گرفته می شود.	معنای سودمندی	سطح دوم
در معنای ابزاری، بنای یک ساختمان کاربرد مشخص و از پیش طراحی شده را به عهده می گیرد و مانند یک ماشین عمل می کند.	معنای ابزاری	سطح سوم
از نگاه معنای ارزشی و عاطفی، معنای یک بنا با عواطف درونی ادراک کننده ارتباط دارد.	معنای ارزشی و عاطفی	سطح چهارم
معنای نشانه ای بنا به علامت و نشانه ای از موضوع دیگر اشاره دارد، مانند آثار معماری به مثابه نماد یک شهر و یا کشور و یا یک دوره زمانی.	معنای نشانه ای	سطح پنجم
درک معنایی نمادین، رمزی و یا سمبلیک از طریق تداعی معانی با مفاهیمی خاص (مانند معنای مقدس) که در دنیای مادی قابل لمس نیستند و یا حضور کالبدی ندارند، به وجود می آیند.	معنای نمادین و رمزی	سطح ششم



نمودار ۱۵. سطوح ۶گانه محیط از دید روانشناسی بوم شناختی گیبسون؛ ماخذ: ترسیم نگارنده.

ندارند و در هر دو حالت فرا اشباع و فقدان اشباع، کارایی مطلوب از دست می‌رود.

فضای شهری و ابعاد اجتماعی - رفتاری

در بررسی تاریخ شکل‌گیری نظریات طراحی شهری و شهرسازی توجه به دو نکته حائز اهمیت است: ۱. با مرور آراء صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان درمی‌یابیم که پس از تاکید بر مسایل مربوط به ادراکات فضایی و بصری و زیباشناختی، لزوم توجه به تقویت تعاملات اجتماعی و تاثیرات محیطی - رفتاری در ادبیات شهرسازی وارد شدند، و پس از آن امروزه با تثبیت تقریبی نقش کالبدی و اجتماعی فضاهای شهری بیشترین فعالیت‌ها و نظریه‌ها مبتنی بر ملاحظات زیست محیطی، پایداری و ایجاد امنیت و انسان‌مداری در قلمروهای عمومی می‌باشد. اما لازم به ذکر است لزوم توجه به مطالعات رفتاری و تعاملات اجتماعی جز لاینفک طرح‌های شهری امروزی است. در واقع دستیابی به شهری پایدار رابطه تنگاتنگی با میزان پاسخگویی محیط و فضای عمومی به تمامی ابعاد نیازهای انسانی دارد. و هر جا بحث نیاز مطرح می‌شود رفتار نمود عینی می‌یابد (کاشانی جو، ۱۳۸۹).

۲. نکته دوم اینکه توجه صرف به مسایل زیباشناختی و ادراکات بصری مشکلات زیادی برای اجتماعات

مرتبط به هم و متشکل در الگوهای خاص است که فضاهای باز و سبز، ساختمان‌ها، اتاق و چیدمان فضا را تشکیل می‌دهند. این سطوح از مواد، بافت‌ها، و رنگدانه‌های مختلف ترکیب شده‌اند و به طرق مختلفی روشن می‌شوند. مدار رفتار به عنوان واحدی برای سنجش و تحلیل معماری اولین بار توسط «بارکر» مطرح شد. «قرارگاه یا مکان رفتاری» ترکیبی از فعالیت و مکان است که دارای اجزای زیر است: ۱. فعالیتی قابل تکرار و ارتجاعی (الگوی جاری رفتار)؛ ۲. طرح خاصی از محیط (محیط کالبدی)؛ ۳. رابطه‌ای سازگار بین این دو (همساختی)؛ ۴. دوره زمانی خاص.

اگر یک الگوی جاری رفتاری در یک مکان کالبدی در زمان‌های مختلف بروز کند، آن مکان می‌تواند جزئی از یک یا چند قرارگاه رفتاری باشد. یک قرارگاه رفتاری می‌تواند نیازهای یک فرد را (از ابتدایی‌ترین تا پیچیده‌ترین) برآورده کند هر قرارگاه رفتاری می‌تواند یک حریم داشته باشد که رفتار در آن مستقر می‌شود. مشکل حریم وقتی بروز می‌کند که فعالیت‌هایی که نیاز به تفکیک دارند به خوبی تفکیک نشوند. «قرارگاه رفتاری» یا «مکان رفتار» را می‌توان واحد اجتماعی کوچکی بشمار آورد که از آمیزش یک «فعالیت» و یک «مکان» بوجود می‌آید و عرصه‌ای برای بروز عملکردهای آن محیط شهری به حساب می‌آید. نظریه سطح اشباع منابع انسانی یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه مکان - رفتار یا همان قرارگاه‌های رفتاری است. به دلایل مختلفی یک مکان رفتار ممکن است تعداد کم یا زیادی از افرادی را که متمایل به فعالیت هستند به خود جذب نماید. وقتی که افراد زیادی در پیرامون موضوع کار حضور دارند و مکان رفتار از یافتن راهی برای ورود افراد بیشتر ناتوان است، پدیده اشباع بالای منابع انسانی رخ می‌دهد. از سوی دیگر وقتی که افراد کمی جذب فعالیت می‌شوند، پدیده فقدان اشباع منابع انسانی رخ می‌دهد (ویکر، ۱۹۸۶)؛ بنابراین مکان‌های رفتاری، موجودیت ایستایی

جدول ۵. ابعاد نظری زیبایی شناسی محیط؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

توضیحات	بیان کننده	ریشه	رویکرد	رویکردهای نظری زیبایی شناسی محیط
ساختمان و محیط کالبدی، ترکیبی از اجزائی است که هر کدام پیامی را منتقل می کنند. لذت بخش بودن پیام وابسته به ساختار و محتوای پیام آن است. هرچه پیام منظم تر باشد، مفهوم تر و لذت بخش تر است.	آبراهام مولس (۱۹۶۶)	روان شناسی ادراک	رویکرد نظریه - اطلاعات	
نظم های پیچیده تر لذت بیشتر ایجاد می کنند. زیبایی از رابطه نظم و پیچیدگی به دست می آید. هرچه کثرت معانی بیشتر باشد محیط لذت بخش تر است.	رودلف آرنهیم (۱۹۷۱)			
رویکرد معناشناسی به جای اتکا به الگوی ساختار محیط بر معنای عناصر محیطی منکی است. معنا، تداعی آگاهانه میان موضوع یا اثر و یک انگاره است.	میر جادالیاده (۱۹۵۴)	فلسفه و دین	رویکرد معناشناسی	
یک عنصر معماری و محیط، ممکن است در مکانهای مختلف معانی متفاوتی داشته باشد، لذا اهمیت زمینه مورد تاکید است.	فردیناند سوسور (۱۹۱۵)	زبان شناسی	رویکرد نشانه شناسی	
میزان انگیزندگی یک فرد با ادراک او از جالب بودن محیط همبستگی دارد. سطح انگیزندگی وابسته به ساختار محیط، شخصیت، انگیزش و نیاز های فردی است.	برلین (۱۹۷۲)	روان شناسی گشالت	رویکرد روان شناسی زیست شناختی	

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۱۶۵

بررسی آن حائز اهمیت می باشد.

بیان یافته های توصیفی تحقیق

در ادامه به بررسی تاریخی نظرات مطرح شده در حیطه مسایل اجتماعی و علوم رفتاری و تاثیر آن بر محیط و کالبد شهرها پرداخته می شود.

۱. «جان لنگ»: با انتشار نظریه خود در کتاب «آفرینش نظریه معماری» به بررسی نقش علوم رفتاری در طراحی محیط پرداخته است. وی با تبیین و تفهیم دقیق رابطه میان انسان و محیط، دریافت انسان از فضا و تصورات مردم از محیط را بررسی کرده و معتقد است تشکیل طرحواره ذهنی در اثر تعامل انسان و محیط تعیین کننده رفتارها و فعالیت های انسان در فضای شهری است. وی با اشاره به قابلیت های محیط ساخته شده، قرارگاه های رفتاری را مکانی برای تعاملات اجتماعی

محلی ایجاد نمودند که منجر به تولید نظریات محیطی رفتاری با لزوم تاکید بر تعاملات اجتماعی شدند. اما همین نظریات بستر رسیدن به نظریات پایداری و تامین کیفیت محیط امروزی شدند، امروزه مقیاس انسانی و انسان مداری در شهرسازی اهمیت یافته و توجه به تامین نیازهای انسانی از جمله تامین ایمنی و امنیت محیطی در راس کار طراحان قرار گرفته است. بنابراین سیر تحول ادبیات و نظریات شهرسازی نشان می دهد نه تنها مولفه های اجتماعی و تاثیرات محیطی رفتاری، حفظ نشده است، بلکه گسترش و ارتقا کیفی سایر ابعاد بر پایه این مولفه ها و تقویت آنها منجر به ظهور رویکردهای فعلی شده است، همچنین نظریات مطرح شده در این حیطه نقش مهم و به سزایی در ساخت کالبدی شهرهای امروزی ایفا کرده است که

و برآورده کردن نیازهای انسانی در شهر می‌داند. ۲. «آموس راپاپورت»: از برجسته‌ترین نظریه پردازان علوم رفتاری است که به مسایل شهری توجه ویژه‌ای کرده است. وی به موضوع کنش متقابل انسان و محیط به نفعی موقعیت انفعالی انسان در فضای شهری پرداخته است و حرکت در محیط را مهمترین عامل شناخت محیط و طرح ذهنی می‌داند (کاشانی جو، ۱۳۸۹، ص ۹). وی با مطرح کردن موضوعاتی همچون جهت یابی در محیط شهری از طریق نقاط خاص، کاربری و دسترسی، و توجه به تاثیر موضوع ورودی و خروجی در مبحث دسترسی و تمرکز فعالیتی در جهت یابی به نوعی ارتباط محیط کالبدی با نحوه رفتار انسانی و تعامل این دو باهم را به نمایش می‌گذارد.

۳. «اپلیارد»: در تحقیقی که در سال ۱۹۸۱ در سان فرانسیسکو انجام داد، نشان داد چگونه حمل و نقل و کالبد شهر بر تعاملات اجتماعی تاثیر می‌گذارد. اپلیارد تعاملات اجتماعی را در خیابان‌هایی با سطح ترافیکی متفاوت سنجید: ترافیک سبک (۲۰۰۰ سفر در روز) و ترافیک سنگین (۱۶۰۰۰ ترافیک در روز). در خیابان با ترافیک سنگین تقریباً کمتر از سه مرتبه تعاملات اجتماعی برقرار شد. نتایج این تحقیق نشان داد چطور جداسازی کامل باعث شد ساکنان دو سمت خیابان با ترافیک سنگین کمترین تماس اجتماعی با یکدیگر داشته باشند.

۴. «ویلیام وایت»: تحقیقات گسترده‌ای در زمینه مسایل اجتماعی و رفتارشناسی در فضای شهری انجام داده است. وی معتقد است رفتار مردم در فضای شهری عجیب و غیرقابل پیش بینی است و آنچه بیش از هر عامل دیگری مردم را به خود جذب می‌کند حضور سایر افراد در فضا می‌باشد. ۵. «هانا آرنت»: در کتاب شرایط انسانی (۱۹۵۸) مشوق برونگری و زندگی سیاسی و اجتماعی است که در آن قلمرو عمومی نقش اصلی را بازی می‌کند. به عقیده آرنت فضا در دو رده طبقه بندی می‌کنند: فضای حضور در میان دیگران و فضای مابین دیگران.

همه‌انگهی مردم و اشیا در تحلیل و پذیرش این مطلب که روابط اجتماعی به واسطه اشیا شکل می‌گیرد، نکته کلیدی است که در تحلیل آرنت درباره فضای عمومی آمده است (مدنی پور، ۱۳۸۷، ص ۱۹۸).

۶. «پاول زوکر»: مطالعات گسترده‌ای بر روی فضای شهری میدان انجام داده است. وی میدان را توقفگاهی روانی می‌پندارد که تعاملات اجتماعی را در خود جای می‌دهد و آن را محدود به ابعاد بصری و کالبدی نمی‌داند بلکه بر جنبه‌های اجتماعی و فعالیت‌های جاری در فضا تاکید ویژه‌ای می‌کند. زوکر ادراک فضا را معطوف به تجربه حرکت انسان در آن می‌داند. در همین دهه طرح موضوع سیمای شهر و عناصر پنجگانه شکل دهنده تصویر ذهنی ساکنان از آن توسط کوین لینچ تحول عظیمی در حوزه مسایل شهری ایجاد کرد. لینچ با مطرح کردن مباحث ادراکات عمومی مردم از محیط، تجسم شهر، تصویر ذهنی شهر معتقد بود که عوامل متحرک و از جمله انسان در ایجاد تصویر هر شهر موثرند.

۷. «جین جیکوبز»: نیز با مطرح کردن تئوری چشمان خیابان، خیابانها و پیاده‌روهای شهر را عامل مهمی در تصویر ذهنی افراد می‌داند و معتقد است که خیابان‌ها و پیاده‌روها باید واجد سرزندگی و امنیت لازم باشند و حضور افراد در این فضاها را یکی از عوامل ایجاد سرزندگی و تامین امنیت قلمداد می‌کند.

۸. «رومندی پسینی»: در سال ۱۹۸۴ در راستای تکمیل و گسترش مبحث مسیریابی و جهت یابی که قبلاً توسط لینچ مطرح شده بود و با مطالعات راپاپورت دنبال شده بود، کتاب مسیریابی در معماری با تاکید بر مطالعات روانشناسی محیطی را منتشر کرد. وی جهت یابی را تنها منحصر به تشخیص مسیر از طریق محیط مصنوع و عناصر معماری نمی‌داند بلکه مجموعه‌ای از علایم و نشانه‌های بصری، علایم ارتباط شنیداری، عناصر قابل لمس و ... را موثر می‌داند. در واقع وی به تاثیر و تعامل کالبد و محیط انسان-ساخت با نیازهای انسانی

الگوی جاری رفتار
الگوی جاری رفتار و محیط
محیط بر الگوی رفتار احاطه دارد
محیط با الگوی رفتار رابطه همساختی دارد
اجزای رفتار - محیط همساخت ها نامیده می شوند

ویژگی های ساختاری

بازشناسی قرارگاه های رفتاری

همساخت های یک قرارگاه رفتاری معین، درجه وابستگی تعیین شده ای دارند.
همساخت های یک قرارگاه رفتاری معین، نسبت به بخش های سایر قرارگاه های رفتاری، میزان وابستگی بیشتری با خودشان دارند.

ویژگی های پویا

نمودار ۱۶. بازشناسی قرارگاه های رفتاری؛ ماخذ: دژدار و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۰.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۱۶۷

و یا انجام کاری؛ ۲. تعداد کافی صندلی، نیمکت و مکان های غیر رسمی جهت نشستن، استراحت کردن و تماشای چیزی (مردم دیگر، آب و حتی وسایل نقلیه)؛ ۳. امکان مشارکت در فعالیتی که در حال رخ دادن است (نشستن، ایستادن دور هم، با هم چیزی خوردن در جایی که سایر مردم در حال خوردن هستند)؛ ۴. امکان نگاه کردن به چیزی مثل ویترین مغازه ها، مجسمه ها، فواره ها، بازارها؛ ۵. بهره مندی از تابش آفتاب و حفاظت در مقابل باد. همچنین وی معتقد است: طراحی مناسب ممکن است تحت برخی شرایط، هیچ گونه سرزندگی اجتماعی به وجود نیاورد، «تمایل افراد جامعه به یک مکان طبیعتاً پیچیده است و ممکن است بیشتر حاصل عوامل محیطی، فرهنگی و تاریخی باشد تا صرفاً عوامل طراحی. در حقیقت طراحی بیش از حد فضا ممکن است تاثیر منفی بر گرایشات محیطی داشته باشد» (Hass Klau: ۱۹۹۹: ۳۱).

۱۱. «بحرینی» در کتاب خود با نام تحلیل فضای شهری به ارزیابی کمی و کیفی الگوهای رفتاری استفاده کنندگان از محیط شهری می پردازد. بحرینی معتقد است نحوه استفاده از فضا ریشه در

از طریق حواس پنجگانه در فضای شهری تاکید می کند (همان، صص ۵-۷).

۹. «گهل»: دیگر نظریه پردازی است که معتقد است جذابیت شهر را می توان با توجه به انبوه مردمی که در فضاهای همگانی آن گردهم می آیند و وقت خودشان را در آن جا می گذرانند، شناسایی کرد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۴۳۷). گهل (۱۹۸۷) معتقد است سه نوع فعالیت در فضای عمومی شهری اتفاق می افتد: فعالیت های ضروری که کمترین تاثیر را از محیط مادی و فضای عمومی می پذیرد، فعالیت های انتخابی و گزینشی و فعالیت های اجتماعی که به صورت بهبود بخشیدن به کیفیت محیط، امکان دیدار مردم و حضور به صورت پیاده در این گونه فعالیت ها نیز افزایش می یابد. اگر کیفیت محیط ضعیف باشد، ممکن است فقط فعالیت های ضروری در آن محیط رخ دهد و در نتیجه پتانسیل های محیط کارکرد واقعی پیدا نمی کند.

۱۰. «هاس کلا»: بر ملحوظ داشتن کیفیت هایی مبتنی بر پاسخگویی به نیازهای انسانی و الگوهای رفتاری جهت ایجاد فضاهای موفق شهری تاکید می کند: ۱. ایجاد فضاهایی برای تماشا کردن نشستن

جدول ۶. دسته بندی نظریات موجود در رابطه با بعد ادراکی و رفتاری فضای شهری؛ ماخذ: نگارندگان.

مفاهیم کلیدی	نظریه	سال	نظریه پرداز
تاکید بر نقش اجتماعی فضای شهری و بررسی الگوهای رفتاری مردم	زندگی اجتماعی فضاهای شهری کوچک	۱۹۸۰	ویلیام وایت
تاثیر حمل و نقل و کالبد شهر بر تعاملات اجتماعی		۱۹۸۱	اپلیارد
جهت یابی مردم در فضای شهری و توجه به نیازهای ویژه کاربران	مسیریابی در معماری	۱۹۸۴	رومیدی پاسینی
قرارگاه های رفتاری؛ تشکیل طرحواره ذهنی از تصورات مردم از محیط؛ تعامل قابلیت های محیط ساخته شده و رفتار	آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیطی)	۱۹۸۷	جان لنگ
قلمرو عمومی عامل اصلی برونگری و زندگی سیاسی و عمومی	شرایط انسانی	۱۹۵۸	حانا آرنه
تقسیم بندی فعالیت در فضای شهری: ضروری، انتخابی، اجتماعی	زندگی در میان ساختمان ها	۱۹۸۷	جان گهل
تاکید بر تقویت عرصه های عمومی به عنوان قلمرو سوم افراد	مکان خوب، کافه ها، کافی شاپ ها، و دیگر پاتوق ها در قلب یک اجتماع	۱۹۸۹	اولدنبگ
ارزیابی محیط سکونتی و معرفی فضای شهری هفتگانه	مکان های مردمی	۱۹۹۰	کوپر مارکس
توجه به الگوهای رفتاری و بستر اجتماعی فرهنگی برای طراحی	سرزندگی اجتماعی	۱۹۹۹	هاوس کلاو
ارائه ضوابط مناسب طراحی با تحلیل کمی و کیفی فضای خیابان و الگوهای رفتاری استفاده کنندگان از فضا	تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوهای رفتاری استفاده کنندگان	۱۹۹۶	حسین بحرینی
فرایند اجتماعی- مکانی فضای شهری	طراحی فضای شهری	۲۰۰۰	علی مدنی پور
توجه به زمینه های ادراکی و رفتاری- محیطی در فرایند طراحی	راهنمای طراحی شهری در ایران	۲۰۰۵	پاکزاد
میدان عامل تبدیل جامعه به اجتماع نه صرفا محل تجمع افراد	شهر و میدان	۱۹۵۹	پاول زوکر
تشکیل تصویر ذهنی و عناصر سازنده سیمای شهر از دیدگاه شهروندان	سیمای شهر	۱۹۶۰	کوین لینچ
پیاده رو عامل ایجاد تقویت و تعاملات اجتماعی مفهوم نظارت اجتماعی از طریق طراحی	مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی	۱۹۶۱	جین جیکوبز
موقعیت غیر انفعالی انسان نسبت به محیط و جهت یابی عابرین در محیط شهر	جنبه های انسانی فرم شهر	۱۹۷۷	راپاپورت

مسایل و بستر فرهنگی دارد و محیط کالبدی و فضا تعیین کننده رفتارها نمی باشد بلکه می توان از طریق طراحی، فعالیت های مناسب را گسترش داد و فعالیت های نامناسب را تحدید کرد.

۱۲. «ولدنبرگ»: در کتاب «مکان» کافه ها، کافی شاپ ها، فروشگاه های کتاب و سایر پاتوق ها سه قلمرو تجربه ای انسان را تعریف می کند: کاری، سکونتی و اجتماعی و معتقد است باید تعادل این سه قلمرو برای آسایش و رضایتمندی مردم در زندگی روزانه حفظ شود و از آنجا که انتظارات از خانواده و کار گسترش یافته است، مردم به آزادی و فعالیت هایی که در قلمرو اجتماعی تامین می شود، نیاز دارند (Carmona, 112, 2003).

ویژگی های فعالیت (از جمله زمان، مکان انجام فعالیت، طول مدت، رواج و تواتر) ممکن است تحت شرایط انسانی یا محیطی تغییر کنند. در واقع توانایی های انسان از جمله قابلیت های بیولوژیکی وی و توانایی های حرکتی و حسی در نحوه انجام فعالیت موثرند. فواصلی که ادراک شنوایی یا بینایی را تحت شعاع قرار می دهند، توانایی های جسمی انسان در استفاده از قابلیت های محیطی و بحث شایستگی در استفاده از محیط در حیطه شرایط انسانی قرار می گیرند. همچنین عوامل محیطی همچون دما، تابش، وزش باد و... بر دامنه و حدود فعالیت تاثیرگذارند. بروز برخی فعالیت ها نیازمند ظرف مکانی مناسب است. در ارتباط با سایر فعالیت ها هم فضایی را مناسب فعالیت می نامیم که معمولا با توقف، رواج، تواتر و مدت زمان فعالیت در آن به نسبت سایر فضاها فزونی چشم گیری داشته باشد. فعالیت هایی که با توقف طولانی همراه هستند. ایستادن یا نشستن، بیشتر در لبه ها و مکانهایی که فرد در چنین فضاهایی دید نسبتا خوبی به دیگر فعالیت های جاری در فضا داشته باشد. فضای شهری در عین دارا بودن ارزش های اجتماعی و فرهنگی جامعه، ظرف فعالیت های شهری و ضرورت ها مرتب بر آن نیز محسوب می گردد. گهل در کتاب

خود این فعالیت ها را در سه طیف مورد بررسی قرار می دهد. فعالیت های ضروری، انتخابی و گزینشی و فعالیت های اجتماعی. در ارتباط با فعالیت های ضروری به دلیل وجه اجباری آن ها، تاثیر محیط مادی و فضای کالبدی بر تعدد، تواتر و زمان این نوع فعالیت ها چندان زیاد نیست. در حالی که وقوع فعالیت های اجتماعی اثرگذار می باشد ولی از آنجا که شرط اول این گونه فعالیت ها حضور افراد دیگر در فضاست، در صورت حصول این شرط تاثیر فضای کالبدی کاهش می یابد. در مورد این فعالیت ها، فضا به عنوان یک عامل جذب جمعیت برای فراهم آوردن زمینه مناسب جهت شروع فعالیت های جدید عمل می کند. وجود فعالیت بر برخی کیفیت های فضایی اثر می گذارد. به طور مثال فضایی که نیمکت های آن خالی است مرده به نظر می رسد. به همین خاطر دیگران نیز رغبتی در استفاده از نیمکت از خود نشان نمی دهند؛ بنابراین تراکم فعالیت ها از نظر تعداد، تکرار و دوام می تواند بر کیفیت هایی که ما از محیط درک می کنیم مانند سرزندگی و تنوع اثر داشته باشد. زمان متغیری است که تغییرات مقطعی یا تطوری در رفتار ایجاد می کند. تمام تغییراتی که در طول شبانه روز، سال و ماه اتفاق می افتند، بر نحوه انجام رفتار، تراکم رفتاری، حذف یا ایجاد رفتار جدید موثرند. این تغییرات به وضعیت آب و هوایی، ارزش های هنجاری جامعه، بستر فرهنگی و ... بستگی دارد. به عنوان مثال ایام عزاداری در کشور بسیار مهم اند و در این ایام رفتارهای خاصی و فعالیت های ویژه ای جایگزین فعالیت ها و رفتارهای روزمره مردم می شوند. همچنین در طی زمان ممکن است رفتارهایی در دستگاه ارزشی جامعه وارد شود و یا مطرود و حذف شود که این موضوعی است که اخیرا در کشور ما مشاهده می شود. به عنوان مثال خوردن غذا در کنار خیابان به همراه خانواده در رستورانهایی که سرویس خیابانی طراحی کرده اند. یا شکل گیری پاتوق های خیابانی در خیابان های شهری و مهم که

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

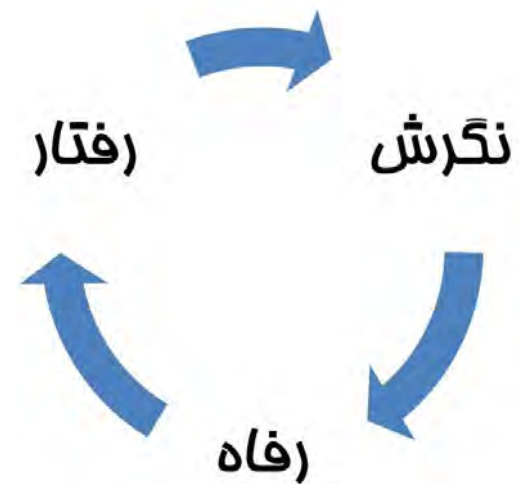
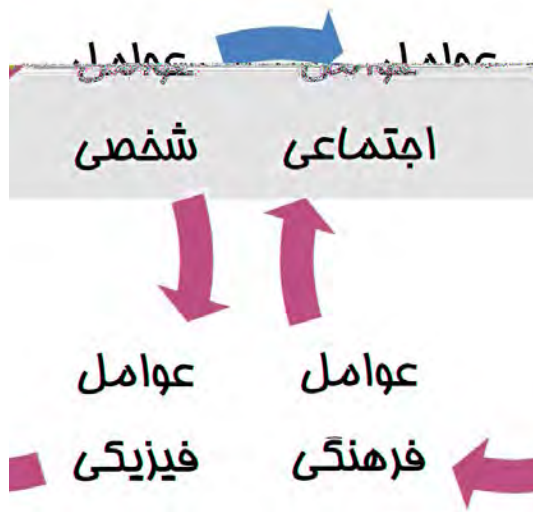
۱۶۹

جدول ۷. انواع نگرش به انسان از دیدگاه روانشناسی محیط؛ ماخذ: نگارندگان بر اساس رازجویان، ۱۳۷۵.

نوع نگرش به انسان	ویژگی ها	
انسان، پدیده ای مکانیکی	هدف خلق محیط فیزیکی متناسب با توانمندی و محدودیت های احساسی، حرکتی و هوشی انسان بوده است.	آنتروپومتریک: ابعاد فیزیکی انسان و محدودیتها و توانایی های او
		ارگونومیک: مسایل مربوط به رابطه انسان و ماشین
انسان، پدیده ای ادراکی و انگیزه ای	انسان مجموعه ای از فرایندهای درونی (ادراک حسی و عقلی) و تاثیرپذیر از انگیزه و هیجانات همراه با محرکهای محیطی و عکس العمل های معنایی و محتوایی نسبت به محیط است.	
انسان، پدیده ای متجلی در رفتار	از طریق مطالعه رفتار انسان می توان به خصوصیات او پی برد.	
انسان، پدیده ای مبتنی بر بوم و محیط	انسان به عنوان پدیده ای مرکب از قابلیت های درونی (ادراک حسی و عقلی) و نمودهای بیرونی (صورت‌های مختلف رفتار) در رابطه با محیط است.	

رفتار شهروندان موثر است. به عنوان مثال در یک مسیر حرکتی مانند پیاده روی که در حال راه رفتن به منظور رسیدن به خانه می باشد، با دیدن ویترین مغازه ها یا صحنه ای جالب توقف نموده و به تماشای ایستد، حتی ویژگی هایی همچون عرض ورودی مغازه های تجاری یا رنگ و نمای بصری یک بدنه در ایجاد کشش و تمایل در افراد برای توقف و مکث و ایستادن و نگاه کردن یا خرید کردن موثرند. بنابراین می توان تا حدودی از طریق دخالت در محیط و ویژگی های آن، قابلیت آن را برای استفاده شهروندان افزایش داد، رفتارهایی را القا و بخشی از ناهنجاری ها را کاهش داد. به عنوان مثال وجود سلسله مراتب دسترسی میزانی از آسودگی و راحتی و امنیت به فرد می دهد تا آزادانه بتواند به فعالیت های انتخابی و اجتماعی بپردازد همچنین به خوانایی فضا نیز کمک می کند. یا از نظر تناسب عرض با تراکم افراد و الگوهای رفتاری، در پیاده رو تنگ مردم بیشتر تمایل به حرکت دارند و در

در بین جوانان باب شده است و ایستادن و گپ زدن و خوردن در حاشیه خیابان را ترغیب می کند. تجربه نشان داده است از طریق دخالت در طراحی محیطی و ایجاد بستری مناسب می توان رفتاری را القا نمود. به عنوان مثال تعبیه فضاهای ویژه ای برای نشستن، یا طراحی ترکیبی از آنما با فضاهای عبوری و امکان ایجاد فضایی برای مکث و ایستادن نمونه هایی از این دست هستند. از طرفی جلوگیری از بروز رفتارهایی ناهنجار یا نامتناسب با دستگاه ارزشی جامعه، نیز از طریق طراحی محیطی امکان پذیر است که در سالهای اخیر به شدت مورد نظر طراحان واقع شده است. به عنوان نمونه می توان به تامین روشنایی مناسب در فضای جرم خیز اشاره کرد. یا طراحی فضا مطابق با استانداردهای انسانی تا جلو تنه زدن و دزدی در خیابان یا پیاده رو گرفته شود. با وجود رابطه قوی و مسلم فرهنگ بر رفتار، برخی از ویژگی ها و خصوصیات محیط در ابعاد مختلف عملکردی، اجتماعی، کالبدی و... نیز بر روی نحوه



نمودار ۱۸ (سمت چپ). عوامل موثر بر روان شناسی یک محیط مسکونی؛ ماخذ: ترسیم نگارنده، یافته های تحقیق.

نمودار ۱۷ (سمت راست). پیامدهای روانشناختی بر پدیده مجتمع های مسکونی مناطق کلانشهری

سوال زیاد باشد شما ممکن است از سکونتگاه خود ناراضی باشید و ممکن است سکونتگاه شما هیچ وقت به کاشانه تبدیل نشود.

یک مسیر با عرض زیاد الگوهای رفتاری بیشتری مشاهده می شود.

«اندازه گیری رضایت از محل سکونت»: برای استنباط رضایت از سکونتگاه، باید آن را به میزان کافی اندازه گیری نمود ولی این سنجش فقط در یک سوال ساده خلاصه نمی شود: «آیا شما از آپارتمانتان رضایت دارید؟» رضایت ممکن است در مورد کیفیت بخش های مختلف سکونتگاه فرق کند مانند: وسعت فضا، زیبایی، نور و رابطه بین نوع استفاده ساکنان و کیفیت ساختمان مثل نور برای مطالعه و یا نور برای شستن ظروف.

روانشناسی محیطی و مجتمع های مسکونی

برای درک روان شناسی یک محیط مسکونی، یک چهارچوب نظم دهنده نیاز است. منظور از این چهارچوب تهیه یک تصویر کامل از علل و نتایج زندگی در خانه های مسکونی مختلف است. چهار گروه از عوامل اصیل در این مورد عبارتند از:

لذا عوامل مختلف در راستای روانشناخت مجتمع های مسکونی شهرها عبارتند از:

۱. «تاثیرات شخصی»: مسلماً سلیقه و خوشنودی، بعضاً بستگی به شخص ساکن دارد. در بررسی های انجام شده در مورد سبک خانه افراد بالغ و جوان به عنوان سکونتگاه با تزئینات و آراستگی را ترجیح می دادند و افراد بالغ مسن تر نوع ساده تر را می پسندیدند. سادگی ممکن است جالب نباشد ولی بیانگر وضوح است، این موضوع برای افراد مسن مهم است زیرا برای آنها تحرک و ادراک مشکل تر از گذشته است. افراد بالغ جوان سکونتگاه اسرار

۱. عوامل شخصی،
۲. عوامل اجتماعی،
۳. عوامل فیزیکی و
۴. عوامل فرهنگی.

پیامدهای آن در سه گروه کلی قرار می گیرند:

۱. اول نگرش؛ مانند: اولویتها و اغنا شدن،
۲. دوم رفتار؛ مانند: مدیریت فضا، اوقات فراغت و ترتیب دادن مبلمان، و
۳. سوم رفاه؛ مانند: سلامتی، تنش، ترس از جنایت و حمایت اجتماعی.

«اولویتها برای محل سکونت، انتخاب و رضایت»: چه نوع سکونتگاهی را ترجیح می دهید؟ شما در واقع در کجا زندگی می کنید. اگر پاسخ های متفاوتی به این سوالات دارید تفاوت بین سکونتگاه ارجح و انتخاب سکونتگاه را می دانید. اگر اختلاف بین دو

آمیز را دوست دارند در صورتی که افراد مسن تر ترجیح می‌دادند که این مرموز بودن را در کتابهای داستان پیدا کنند جایی که زندگی آنها را مشکل تر نمی‌کند که مشتمل اند بر:

○ «موقعیت اجتماعی - اقتصادی»: رضایت از سکونتگاه به موقعیت اجتماعی - اقتصادی نیز ارتباط دارد در یک تحقیق مشاهده شد، که افراد پولدارتر به کیفیت زیبایی کاشانه خود علاقه دارند ولی افراد فقیرتر ایمنی، سلامتی و احتیاجات خانواده در کنار زیبایی را دارای اهمیت می‌دانند.

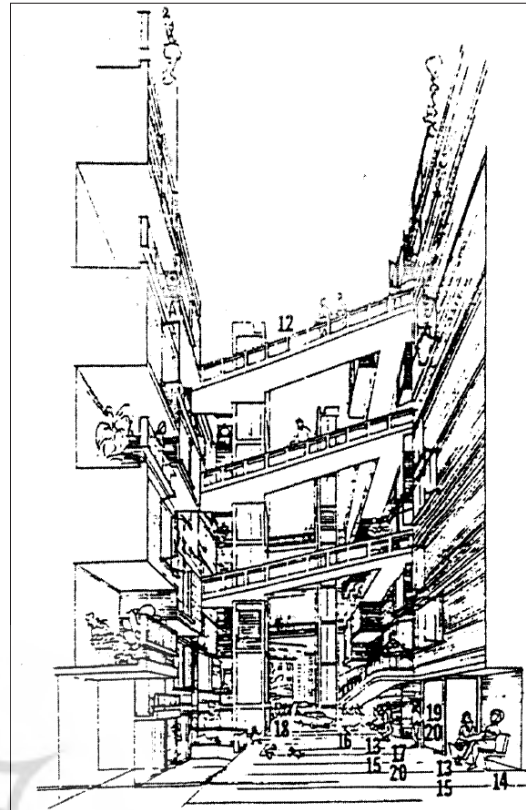
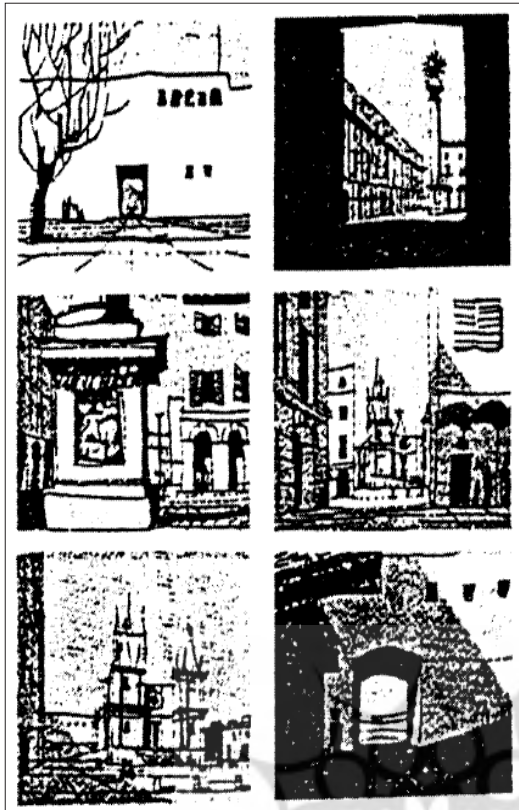
○ «جنسیت و نقش اجتماعی»: نقش اجتماعی بر رضایت از سکونتگاه تاثیر دارد. زنان و شوهران غالباً در مورد مناسب بودن کاشانه خود اختلاف نظر دارند، همچنان که تعداد بیشتری از مردم از پخت و پز لذت می‌برند، تشابهات و تفاوتها بین اولویت زنان و مردان در طرح آشپزخانه اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. هم مردان و هم زنان آشپزخانه‌هایی را که هم به اتاق نشیمن هم به غذاخوری باز است به آشپزخانه‌هایی که از این فضاها جدا هستند ترجیح می‌دهند، اگرچه خانم‌هایی که بیرون کار می‌کنند نسبت به خانم‌های خانه دار به آشپزخانه باز تمایل بیشتری دارند. در مطالعه‌ای که از مردان و زنان خواسته شد که یک خانه را طراحی کنند، زنان خانه‌های کوچکتر با فضاهای اجتماعی بیشتر و دیوارهای با انحنا طراحی کردند و در طرح‌های آنان ابداع بیشتری مشاهده شد. وقتی که مردان و زنان با هم طراحی کردند اندازه خانه‌ها بزرگتر بود و حتی خطوط منحنی بیشتری نسبت به طرح زنان داشت. افراد اجتماعی در صورت داشتن حق انتخاب خانه‌هایی را انتخاب می‌کنند که امکان معاشرت اجتماعی در آن در حداکثر ممکن باشد. مسئله کلیدی و مهم دیگری که در مورد سلیقه و انتخاب مسکن اشخاص نقش دارد ارزش فردی است. اکثر ما به سکونتگاهی تمایل داریم که به اعتقاد خودمان می‌تواند در بدست آوردن ارزشهای مورد نظر در زندگی به ما کمک کند.

○ «آرزوها برای آینده»: زمان برای رضایت از سکونتگاه دارای اهمیت است اینکه شخص در انتظار بهبود کیفیت خانه خود است بر رضایت از سکونتگاه فعلی تاثیر دارد. بنابراین افرادی که در انتظار بهبود کیفی در خانه خود هستند نسبت به سایرین که در همان محل زندگی می‌کنند خوشحال تر هستند.

۲. «تاثیرات اجتماعی»: روابط متقابل ما با دیگران، ارتباطمان با آنها، هنجارهایی که در قبول آنها با دیگران شریک هستیم، خلوت خصوصی در مقابل استقلال و امنیت نقش مهمی در اولویتهای ما در مورد سکونتگاه دارد. در حقیقت بخش مهمی از تعریف کاشانه عملکرد اجتماعی آن است. در یک تحقیق از افراد خواسته بودند که خانه‌ای طرح کنند که دارای خصوصیات خلوت خصوصی با امنیت و یا معاشرت اجتماعی باشد. خانه‌هایی که برای خلوت خصوصی طراحی شده بود دارای قسمتهای تعریف شده بیشتری بودند، آنها دارای اتاقهای بیشتر و در نتیجه راهروهای بیشتر و اتاقهای کوچکتر بودند. خانه‌هایی که برای ایمنی طراحی شده بودند دارای کوچکترین ابعاد بودند. خانه کوچکتر به معنای فضای کمتری برای تدافع است و ساکنان به یکدیگر نزدیکتر می‌باشند که می‌تواند به دفاع از خانه کمک کند. خانه‌هایی که برای معاشرت اجتماعی طراحی شده بودند. فضاهای داخلی آن دارای دید بیشتری بودند و دیوارهای آن انحنای بیشتری داشتند.

۳. «تاثیرات فیزیکی»: خصوصیات فیزیکی یک خانه نیز تاثیر زیادی بر اولویتهای و رضایت ما از خانه دارد. به عنوان مثال، خانه‌های کوچک و شلوغ که دارای اتاقهای محکمی است رضایت کمتری را جلب می‌نماید. چهار نوع شکل فیزیکی را در نظر می‌گیریم: فرم ساختمان، سبک معماری، فضاهای داخلی و فضاهای خارجی.

○ «داخل بنا»: بیشتر تلاش در طرح داخلی به جای تحقیقات روانشناسی محیطی، مرتبط با تغییر مد و بیانات هنرمندانه است، اگرچه شواهدی است



تصویر ۱ (سمت راست). در بررسی و طراحی یک مجتمع مسکونی برولین و زاینزل از مفهوم قرارگاه های رفتاری استفاده نمودند. آنها با استفاده از روش مشاهده توانستند عوامل لازم برای یک محیط انسانی را بر اساس نیازهای ساکنین آن مجموعه طراحی نمایند؛ و تصویر ۲ (سمت چپ). دید پی در پی و دیدگاه کالن درباره تجزیه و تحلیل روانشناختی فضاهای شهری؛ ماخذ: مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۵۷.

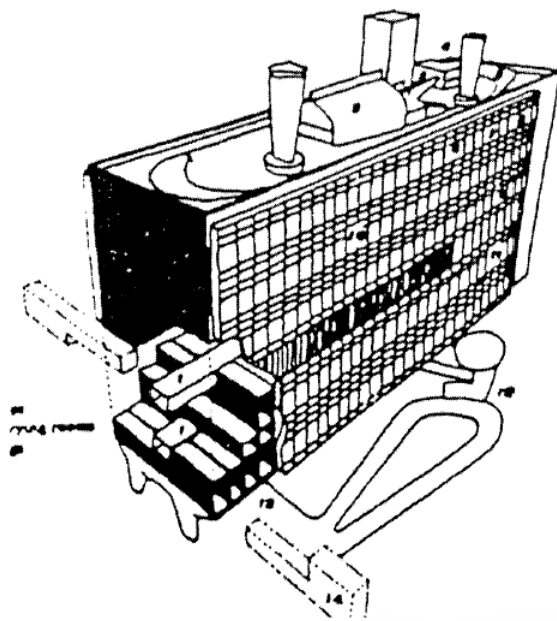
ولی بسیاری از آنها براساس ترجیح دادن رنگ در یک محدوده کوچک بدون هیچ گونه زمینه محیطی خاصی بوده (از افراد سوال نشده که آیا ترجیح می دهند که اتاق خواب و یا آشپزخانه خود را به یک رنگ خاص رنگ کنند). در مطالعه ای در مورد رنگ در کشور ژاپن به این نتیجه رسیدند که: رنگهایی که بیشتر اشباع بودند به عنوان رنگهای بهتر، زیباتر و راحتتر ارزشیابی شدند و میزان روشنایی بستگی به آن داشت که در اتاق چه مقدار فعالیت صورت می گیرد. رنگهای روشن به عنوان رنگهای تازه تر، شاداب تر و نورانی تر تلقی می شدند.

○ «فضای خارجی»: فضاهای خارجی در اطراف خانه تأثیر بسیار زیادی در رضایت افراد دارد. در یک مطالعه توسط فرانسوی ها معلوم گردیده است که

که اکثر افراد سقفهای مرتفع (بیش از ۸ فوت معادل ۲/۵ متر) و سقفهای مسطح یا شیبدار (با نسبت ارتفاع به قاعده ۴ به ۱۲) را ترجیح می دهند. البته همین نسبت شیب نه کمتر و نه بیشتر. همچنین دیوارهای که با زاویه ۹۰ درجه یا بیشتر (نه کمتر) یکدیگر را قطع می کنند نیز ارجح است.

○ «مکان خانه»: مکان خانه تک واحدی در سایت موضوعی است که با آپارتمان متفاوت می باشد. آیا مردم طبقه همکف، طبقات میانی یا طبقات آخر را ترجیح می دهند؟ ظاهراً افراد واحد انتهایی و یا واحد گوشه ساختمان را مناسبتر می دانند. در یک گزارش در مورد سالمندان عنوان شده که آنها واحدهای انتهایی راهرو را ترجیح می دهند.

○ «رنگ»: موضوع تحقیقات بسیاری بوده است؛



تصویر ۳ (سمت راست). باغ شهر ولوین طرحی از ابنزرهاوارد بر اساس طرحی غیرمتمرکز برای طراحی مجتمع های مسکونی و تصویر ۴ (سمت چپ). طرح لوکوربوزیه برای طرح واحد همسایگی در ماریسی؛ طراحی عمودی این مجتمع در مقابل طرح گسترش افقی هاوارد نگرشی متفاوت برای ایجاد محیطی اجتماعی را منعکس می کند؛ ماخذ: مطلبی، ۱۳۸۰، ص ۶۰.

نتیجه گیری و جمع بندی

نقش محیط در زندگی انسان و رفتار متناسب وی بامحیط پیرامون ضرورت بررسی و تحلیل این مهم را از نظر روانشناسی محیطی بوجود می آورد. با توجه به اینکه ادراک انسان از محیط بستگی به عواطف احساسات، پس زمینه محیط و سایر عوامل تأثیرگذار در محیط می باشد و تابع نظریه های ادراک محیطی می باشد. رفتار و محیط رابطه ای دوسویه و اجتناب ناپذیر با یکدیگر دارند. رفتارهای شهروندان به نوعی تابعی از محیط و قابلیت های آن می باشد و فضای شهری عرصه ای برای بروز رفتارهاست. با توجه به رفتارهای مشاهده شده و دسته بندی که از رفتارها صورت گرفته است، می توان ملاحظات طراحی و کیفیاتی که یک محیط را پاسخگو به نیازهای رفتاری شهروندان در طیفها و دسته های مختلف می کند لحاظ نمود. بدین ترتیب علاوه بر تامین کالبد مناسب برای وقوع رفتارهای شهروندان و حذف رفتارهای ناهنجار می توان رضایت خاطر

فضای سبز در مجاورت محله مهمترین عامل رضایت در بین همسایه بوده است.
۳. «تأثیرات فرهنگی»: خانه ها در نقاط مختلف جهان بسیار متفاوت هستند، به عنوان مثال در روستای کندوان تبریز، خانه ها به صورت کندوی عسل، یا خانه های بلند با چوب درخت سرو در ایالت بریتیش کلمبیا در کانادا و خانه های شناور در کشمیر نشان دهنده تفاوت بسیار زیاد خانه ها در مناطق مختلف جهان می باشد. می توان نتیجه گرفت که افراد ترجیح می دهند در خانه هایی زندگی کنند که مطابق فرهنگ گذشته آنها باشد، این به این دلیل است که سکونتگاه ها تبلوری از فرهنگ می باشند، مکمل الگوهای رفتاری آن فرهنگ شده است. در بررسی فرم خانه در هفتاد و سه فرهنگ مختلف مشاهده گردیده است که میزان تقسیم بندی فضاهای داخلی بستگی به میزان پیچیدگی های اجتماعی- سیاسی در آن فرهنگ دارد.

جدول ۸. متغیرها، شاخص ها و گویه های بررسی ارزیابی روانشناختی فضاهای شهری بالاخص در سطح محلات؛ ماخذ: نگارنده بر اساس یافته های تحقیق

شاخص ها		گویه ها
کیفیت محیطی	ویژگی های زیست محیطی	تمیزی آب و هوا، پاکیزگی محیط محله، امکان پیاده روی و دوچرخه سواری، برخورداری از آب سالم و خدمات متناسب شهری
	دسترسی	دسترسی به فضای سبز؛ دسترسی به خدمات تجاری روزمره دسترسی به فضای آموزشی موردنیاز؛ دسترسی به فضای بهداشتی و درمانی؛ دسترسی به ایستگاههای حمل و نقلی
	ایمنی و آسایش	کاهش سروصدای ناشی از ترافیک موتوری؛ کاهش وجود جرم و سابقه جرم در محله
	هویت	احساس تعلق به محله؛ وجود رویداد تاریخی مهم؛ وجود مکان تاریخی مهم
	دید بصری	هماهنگی محیط با فرهنگ ساکنین؛ هماهنگی ساختمان ها به لحاظ فرم؛ مناسب بودن نمای ساختمان ها؛ میزان زیبایی محله از دید ساکنین
روابط اجتماعی	روابط رسمی	روابط و تعاملات اجتماعی شهروندی در راستای سلامت روان و زندگی مسالمت آمیز جمعی
	روابط غیر رسمی (مشارکت)	کمک در رفع مشکلات محله؛ میزان ارتباط با همسایگان؛ تمایل کمک به همسایگان و یاری در حل مشکلات

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۱۷۵

شهروندان را کسب نمود. تامین کیفیت محیط از طریق ملحوظ داشتن تمهیدات طراحی ما را در راستای دستیابی به حس مکان در شهر و فضای شهری یاری می نماید و پرداختن به این مقوله از منظر توجه به نیازها و رفتارهای انسانی یاری کننده طراحان در راستای رسیدن به انسان مداری در طرح های شهری خواهد بود. در خلال پرداختن به رابطه رفتار و محیط و ملحوظ داشتن تمهیدات طراحی نکته مهمی که مشهود است عدم توانایی طراح در اصلاح رفتارها یا حذف کامل آن از محیط است. در بسیاری از موارد رفتاری، فرهنگ و بستر فرهنگی و تاریخی جامعه نقش اساسی و اولیه دارد، به نحوی که باید اصلاح یا حذف آن رفتار را به زمان و اصلاح فرهنگ از طریق بسترسازی مناسب سپرد. با آنکه مطالعات محیطی در ابتدا تحت تأثیر رویکردهای صرفاً روان شناسانه تنها بر دانش و باور

و شناخت متمرکز بودند، و به ابعاد و ماهیت خود محیط فیزیکی توجه خاصی نداشتند؛ اما مطالعات بعدی با تعریف و تبیین مفاهیمی چون فضای شخصی، ازدحام، مکان های مقدس و مانند آنها ویژگی های کالبدی و ابعاد محیط را نیز در مطالعات وارد کردند. فریتز استیل عوامل کالبدی تأثیرگذار در ادراک و حس مکان را اندازه، درجه محصوریت، تضاد، مقیاس، تناسب، مقیاس انسانی، فاصله، بافت، رنگ، بو، صدا و تنوع بصری معرفی می کند. از سویی دیگر نتایج تحقیق، مستقیماً به کیفیت طرح و کالبد فیزیکی اشاره دارند. این موارد به دسترسی و نفوذپذیری و نیز راحتی و تصویر کالبد فیزیکی می پردازند. با تکیه بر پژوهش ها و با دقت در بافت محله های مسکونی، شاخص های روانشناختی شهروندان از کالبد و محیط فیزیکی محلات مسکونی شهری را به عنوان یکی از مؤلفه های مؤثر بر رفتار

شهروندان مطرح می‌کنیم. با توجه به بافت فیزیکی نوع محله‌های مسکونی شهری شاخص‌های ارزیابی ادراکی از کالبد فیزیکی می‌توانند بر کیفیت ادراک شهروندان از جذابیت منظر شهری و طبیعی، مبلمان شهری، نظافت و تمیزی، دسترسی به خدمات شهری و محله‌ای، و نیز دسترسی به حمل و نقل عمومی باشد.

منابع و مآخذ

آلمن، ایروین (۱۳۸۲) محیط و رفتار اجتماعی، ترجمه: علی نمازیان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی. ارباب جلفایی، آرش (۱۳۷۹) مبانی فلسفی و روانشناختی ادراک فضا، مجموعه مقالات گردآوری و ترجمه شده، تهران، نشر خاک. الکساندر کریستوفر و سرچ چرمایف (۱۳۷۱) عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی، ترجمه: منوچهر مزینبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران. ایروانی، محمد و محمد کریم خدایپناهی (۱۳۷۱) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. باقری، علی (۱۳۸۴) نقش فرهنگ در تحول دین و دولت مسلمانان، تهران، مرکز نشر بین الملل. بحرینی، حسین (۱۳۷۵) تحلیل فضای شهری در رابطه با الگوی رفتاری استفاده‌کنندگان و ضوابطی برای طراحی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ. بحرینی، حسین (۱۳۷۷) فرایند طراحی شهری، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ. بناب، محی الدین (۱۳۷۹) روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات دانا. بنتلی، ای‌پن و دیگران (۱۳۸۲) محیط‌های پاسخده، ترجمه مصطفی بهزادفر تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵) مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران، انتشارات شهیدی. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۶) مقالاتی در باب طراحی

شهری، کتاب اول و دوم، تهران، انتشارات شهیدی. پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۰) اصول و ضوابط طراحی فضای شهری، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۴) راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی.

جلیلی، محمد (۱۳۸۹) ماهیت محیط، نشریه منظر، شماره ۱۲.

پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۱) کیفیت فضا، مجله آبادی، شماره ۳۷.

حبیبی، سیدمحسن (۱۳۸۲) از شار تا شهر تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن، نشر اول، تهران، دانشگاه تهران.

رفعیان، مجتبی (۱۳۸۴) فضاهای عمومی شهری، بازنگری و ارزیابی کیفی، نشریه علمی- پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۲۳.

زراعت دوست، مهتاب (۱۳۷۹) طراحی یک مرکز محله با توجه به تاثیر معماری بر رفتار، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی کج روی، چاپ چهارم، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

سیف، مریم و عزت‌ا. نادری (۱۳۶۹) احساس و ادراک از دیدگاه روانشناسی، تهران، انتشارات بدر. فکوهی، ناصر (۱۳۷۸) انسان‌شناسی شهری، چاپ پنجم: تهران، نشر نی.

فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۷) نظری به فرهنگ، نامه فرهنگ، شماره ۳۰.

کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹) بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهری، دوفصلنامه علمی- پژوهشی هویت شهر شماره ۶.

کامل نیا، حامد (۱۳۸۷) روانشناسی محیط و معماری منظر: بررسی الگوی مشارکت در ساخت محیط، فصلنامه آبادی، شماره ۵۱، ص ۵۸-۶۳.

دژدار، امید و همکاران (۱۳۹۱) بازشناسی مفهوم

قرارگاه های رفتاری، نشریه هفت حصار، شماره ۱. کلاین برگ، اتو (۱۳۷۲) روانشناسی اجتماعی، محمد علی کاردان، جلد ۱ و ۲، تهران، نشر اندیشه. گلکار، کورش (۱۳۸۰) مولفه های سازنده کیفیت طراحی شهری؛ مجله صفه، شماره ۳۲، تهران، دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.

لنگ، جان (۱۳۸۰) آفرینش نظریه معماری، ترجمه: علیرضا عینی فر، تهران، دانشگاه تهران.

مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی)، ترجمه: فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

رازجویان، محمود (۱۳۷۵) نگاهی به ائتلاف معماری و علوم رفتاری در نیم قرن گذشته، نشریه صفه، شماره ۲۳.

مدنی پور، علی (۱۳۸۷) فضای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه: فرشاد نوریان، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

مازلو، ابراهام اچ (۱۳۷۵) انگیزش و شخصیت، چاپ چهارم، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.

مرتضوی، شهرناز (۱۳۸۰) روان شناسی محیط و کاربرد آن، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.

مطلبی، قاسم (۱۳۸۰) روانشناسی محیطی: دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۱۰، تهران، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

اسلامی، سید غلامرضا (۱۳۸۹) روشهای علوم رفتاری در طراحی و نقد فضا، جزوه دوره دکتری دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات.

هال، ادوارد (۱۳۷۶) بعد پنهان، ترجمه: منوچهر طبیبیان، تهران، دانشگاه تهران.

هدمن، ریچارد و آندرو یازوسکی (۱۳۷۰) مبانی طراحی شهری، ترجمه: رضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، تهران، انتشارات علم و صنعت ایران.

هومن، حیدرعلی (۱۳۶۶) پایه های پژوهش در علوم رفتاری، تهران، انتشارات سلسله.

یار احمدی، امیر (۱۳۷۸) به سوی شهرسازی انسان گرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.

Alexander, Christopher, et al, 1977 "a pattern language :towns, buildings, construction". Newyork:Oxford University Press

Altman, I & Chemers, M 1975 :Culture and Environment, Montrey, CA, Books, Cole.

Altman, I: 1975 "The Environment and Social Behavior", Montrey, CA, Books, Cole.

Barker, R. G, 1968 "Ecological psychology: Concepts and methods for studying the environment of human behavior". Stanford, Ca.: Stanford University Press.

Carmona, Matthew & Tim Heath & Taner Oc & Steve Tiesdell; 2003 "Public Places , Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design".

Gibson, James J: 1996 "The Senses Considered as Perceptual Systems", Boston: Hughton Mifflin.

Gifford, Robert; Sacilotto, Paul A. 1987 "social isolation and personal spaces Canadian Journal of Behavioural Science Vol 2.

Hass-Klau, C. Crampton, G, 1999 "Streets as Living Space", Landor, London.

Heeshberger R Bechtel B, Churchman A. 2002 " Behaviour Based Architectural Psychology in Handbook of Environmental Psychology", New York, John Willey & Sons, INC.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۱۷۷

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management

شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

۱۷۸



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی